

[A Persian translation of the message of the Universal House of Justice
dated 28 December 2010 to the Conference of the Continental Boards of Counsellors]

ترجمه‌ای از
پیام بیت العدل اعظم الهی
خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای
(از: مرکز جهانی بهائی)

۲۸ دسامبر ۲۰۱۰

دوستان عزیز و محبوب،

پانزده سال پیش در یک چنین گردهم‌آیی مشاورین قاره‌ای در ارض اقدس برای اولین بار به مسیری اشاره نمودیم که جامعه بهائی می‌بایست برای تسریع فرایند دوگانه ترویج و تحکیم خود بپیماید، مسیری که تجارب اندوخته، جامعه را آماده نموده بود تا با اطمینان در آن گام بردارد. فاصله‌ای که در ظرف این مدت کوتاه طی شده نیازی به اظهار نظر ندارد زیرا دست‌آوردهای موجود خودگویای آن است. امروز از شما عزیزان دعوت می‌نمایم تا در مورد مرحله بعدی مشروع عظیمی که عالم بهائی به آن اشتغال دارد مشورت نمایید. این مرحله از رضوان سال ۲۰۱۱ تا رضوان سال ۲۰۱۶ ادامه خواهد داشت و اولین نقشه از دو نقشه متوالی پنج‌ساله‌ای است که به صدمین سالگرد آغاز عصر تکوین منتهی خواهد گردید. از شما تقاضا می‌کنیم که در طی چند روز آینده تصویر روشنی در ذهن خود ترسیم نمایید که چگونه اعضای هیئت‌های مشاورین و معاونین جامعه بهائی را یاری خواهند داد تا بر مبنای موقفیت‌های خارق‌العاده‌اش به پیشرفت خود ادامه دهد — روحیه یادگیری را که به نحو غیر قابل انکاری از ویژگی‌های مساعی تبلیغی‌اش گردیده به سایر میادین فعالیت تعمیم دهد، توانمندی لازم را برای استفاده منسجم از ابزار و روش‌هایی که با تلاش زیاد به وجود آورده کسب نماید و تعداد کسانی را که با وقوف به بینش امر الهی در اجرای رسالت روحانیش با پشت‌کار فراوان در تلاشند به میزانی بی‌سابقه افزایش دهد.

در پیام رضوان امسال ابعاد فرایند یادگیری را که در طی چهار نقشه متوالی مستمراً سرعت گرفته و موجب افزایش توانمندی احباً برای فعالیت در سطح مردمی شده است توصیف نمودیم. این چشم‌انداز به راستی شگفت‌انگیز است. بیش از ۳۵۰,۰۰۰ نفر در سراسر عالم اولین دوره مؤسسه را گذرانده‌اند و توانایی برای ایجاد یک الگوی زندگی ممتاز به خصلت نیایش به نحو محسوسی افزایش یافته است. در محیط‌های گوناگون و در همه قارات، احباً در دعا و مناجات با دیگران متحد شده با تضرع و ابتهال به درگاه حضرت پروردگار توجه نموده و از قوای روحانی‌ای که کارآیی مساعی فردی و جمعی‌شان منوط به آن می‌باشد مدد می‌گیرند. تعداد کل کسانی که بالقوه می‌توانند در مقام معلمین کلاس‌های کودکان خدمت کنند در طی پنج سال تقریباً دو برابر شده و به حدود

۱۳۰,۰۰۰ نفر بالغ گشته است. این افزایش به جامعه امکان داده است که به نیازهای روحانی کودکان صمیمانه پاسخ گوید. در طی همان مدّت، شش برابر شدن توان‌مندی برای کمک به نوجوانان به منظور گذر از چنین مرحله بحرانی حیات‌شان نشانه‌ای از میزان تعهد جامعه نسبت به این گروه سنی می‌باشد. به علاوه در همه جا تعداد قابل ملاحظه‌ای از احبّ خود را آماده می‌یابند تا با مردمی از پیشینه‌ها و علایق گوناگون وارد مکالمه شوند و با هم به کشف واقعیّاتی پردازند که به درکی مشترک از نیازهای این دوره از تاریخ بشر و نحوه پاسخگویی به آن می‌انجامد. و مساعی نزدیک به ۷۰,۰۰۰ نفر که قادرند در مقام راهنمای حلقه‌های مطالعه خدمت کنند افزایش سیستماتیک فعالیت‌های اساسی نقشه را کمک می‌نماید، فعالیت‌هایی که تعداد شرکت‌کنندگان در آن در سراسر عالم در هر مقطع زمانی رقمی بالغ بر نیم‌میلیون بوده است.

با سیستمی که به این ترتیب برای پرورش منابع انسانی ایجاد شده، همان طور که در پیام رضوان ۲۰۱۰ روشن ساختیم، جامعه اسم اعظم وسیله‌ای با امکانات نامحدود به دست آورده است. در تحت شرایطی بسیار متنوع و عملاً در همه محدوده‌های جغرافیایی، چند نفر در مقام هسته مرکزی یک گروه در حال تزیاید می‌توانند جنبشی مردمی به سوی هدف یک نظم جهانی به وجود آورند. ده سال پیش هنگامی که برای اولین بار مفهوم محدوده را که یک ساخت جغرافیایی به منظور تسهیل تفکر در مورد رشد امرالله است مطرح نمودیم توضیحی نیز در باره چهار مرحله کلی در مسیر توسعه آن ارائه دادیم. با اجرای نقشه توسط جامعه بهائی این توضیح در تجسم و توصیف آنچه اساساً یک فرایند مستمر است بسیار مفید واقع شد. تجارب فراوانی که تا به حال به دست آمده اکنون احبّ را قادر می‌سازد که حرکت یک جمعیت را که به مدد قوای روحانی متزاید پیش می‌رود به صورت یک پیوستار غنی و پویا تصور نمایند. یک بررسی کوتاه از فرایندی که در محدوده جغرافیایی بسط می‌یابد، گرچه همگی با آن آشنایی کامل دارید، کمکی به تأکید بر ماهیت ارگانیک آن خواهد بود.

برنامه رشد

فرصت‌های حاصله از اقدامات شخصی احبّ، و یا احیاناً فعالیت‌های یک مهاجر داخلی، در جهت شروع مکالمات هدف‌مند و پرمحتوا با ساکنین محل نحوه آغاز فرایند رشد در یک محدوده جغرافیایی را تعیین می‌کند. یک حلقه مطالعه مرکب از چند دوست یا همکار، کلاسی برای چند کودک محله، گروهی برای نوجوانان در ساعات بعد از مدرسه، یک جلسه دعا برای دوستان و بستگان — هر یک از این اقدامات می‌تواند محرک رشد باشد. پیشرفت‌های بعدی تابع مسیری نیست که از قبل مشخص شده باشد. شرایط ممکن است ایجاب نماید که به یک فعالیت اساسی اولویت داده شود و به میزانی سریع‌تر از سایر فعالیت‌ها افزایش یابد. این امکان نیز وجود دارد که هر چهار فعالیت اساسی با سرعتی مشابه پیش رود. ممکن است گروه‌های سیار دعوت شوند تا به مجموعه فعالیت‌های نوشکفته تحرک بخشند. اما نتیجه نهایی قطع نظر از ویژگی‌ها باید یکسان باشد. انسجام حاصله بین فعالیت‌های اساسی در داخل هر محدوده جغرافیایی باید به میزانی برسد که در مجموع بتوان یک برنامه نوپا جهت ترویج و تحکیم پایدار امرالله را مشاهده نمود. بدین معنا که جلسات دعا، کلاس‌های کودکان و گروه‌های

نوجوانان، با هر ترکیب و هر تعداد، توسط کسانی اداره می‌شود که دوره‌های متسلسل مؤسسه آموزشی را طی کرده‌اند و به آن بینش تقلیب و تغییر فردی و جمعی که این دوره‌ها ترویج می‌دهند پای‌بندند. این نخستین حرکت منابع انسانی به میدان عمل سیستماتیک اولین نماد پیشرفت از نمادهای متعدد یک فرایند رشد پایدار می‌باشد.

همه مؤسسات و نهادهای امری، و بیش از همه اعضای هیئت معاونت، که اهداف سلسله نقشه‌های جهانی جاری را ترویج می‌نمایند باید آن چالاک‌ی و هوشیاری را که تولد یک چنین فرایند پویایی ایجاب می‌کند از خود نشان دهند. کمک به احباً برای تجسم این اولین نماد و راه‌های متعدد وصول به آن جزو وظایف اصلی هر عضو هیئت معاونت و تعداد فزاینده‌ای از مساعدین آنها است. در این مورد نیز مانند دیگر کارهایشان باید وسعت نظر و روشنی فکر، انعطاف‌پذیری و کاردانی و ابتکار از خود نشان دهند. بایستی دوش به دوش احباً حرکت کنند، آنان را در تلاش‌هایشان حمایت نمایند و در شادی آنها شریک باشند. بعضی از این دوستان به سرعت در صف اول فعالیت‌ها قرار خواهند گرفت در حالی که دیگران با احتیاط بیشتری گام بر خواهند داشت ولی همه نیازمند تشویق و حمایت هستند اما نه تشویق و حمایت نظری بلکه بر اساس دانش واقعی که تنها با خدمت در کنار یکدیگر حاصل می‌گردد. ایمان به توانمندی هر فرد مشتاق به خدمت از طرف کسانی که مایلند احباً را به مشارکت جدی در اجرای نقشه ترغیب نمایند حائز اهمیت بسیار خواهد بود. محبت بدون قید و شرط و فارغ از حس برتری برای کسانی که می‌خواهند به احباً کمک کنند تا تردید را به شهامت ناشی از ایمان به خدا و هیجان‌طلبی را به تعهد نسبت به اقدام درازمدت تبدیل نمایند از ضروریات خواهد بود. عزم جزم همراه با آرامش در تلاش برای تبدیل موانع به وسیله‌ای برای پیشرفت جنبه حیاتی خواهد داشت. آمادگی برای گوش دادن، توأم با بصیرت عمیق روحانی، برای تشخیص موانعی که می‌تواند بعضی از احباً را از درک ضرورت وحدت در عمل بازدارد، بسیار ارزشمند خواهد بود.

تشدید فعالیت‌ها

توجه به این نکته حائز اهمیت است که با ایجاد یک برنامه رشد، بروز یک حس تعلق به جامعه شروع به اثرگذاری بر سیر وقایع می‌نماید و چه این فعالیت‌ها در سطح محدوده جغرافیایی پراکنده باشد و چه در یک دهکده یا محله متمرکز گردد احساس یک هدف مشترک و ویژگی مساعی دوستان خواهد بود. با هر میزانی از سازمان‌دهی که فعالیت‌ها بعد از بروز اولیة این احساس هدایت شده باشد، ازدیاد سیستماتیک و متوازن فعالیت‌های اساسی سطوح بالاتری از آن را ایجاب خواهد کرد. از طریق تمهیدات گوناگون، فعالیت‌ها بیش از پیش سازمان می‌یابد و ابتکار شخصی که در گذشته عمدتاً نمایان‌گر میل و اراده فرد بود اکنون بیان‌گر خواست جمعی می‌گردد. تعدادی هماهنگ‌کننده که از طرف مؤسسه آموزشی منصوب شده‌اند به میدان خدمت وارد می‌شوند — بعضی برای حلقه‌های مطالعه، برخی برای گروه‌های نوجوانان و هم‌چنین برای کلاس‌های کودکان. انتصاب این نفوس به هر ترتیب و نوبتی که صورت گیرد بالقوه قابل قبول است. هیچ امر دیگری به غیر از آگاهی دقیق از اوضاع محل نباید تعیین‌کننده نوبت این انتصاب باشد زیرا آنچه مطرح است رعایت مجموعه‌ای از مقررات نیست بلکه بسط یک

فرایند آموزشی است که ظرفیت بالقوه آن برای توان‌دهی روحانی به تعداد زیادی از افراد در حال جلوه و بروز می‌باشد.

به موازات استقرار مکانیزم‌هایی جهت حمایت از فرایند مؤسسه آموزشی ساختارهای اداری دیگری تدریجاً شکل می‌گیرد. ملاقات‌های پراکنده چند نفر از احباً به تبادل نظرهای منظم یک گروه مرکزی از دوستانی تبدیل می‌شود که تعدادشان در حال افزایش است و علاقه‌مندند انرژی فزاینده‌ای را صرف خدمت نمایند. با شتاب گرفتن فرایند رشد، چنین ترتیبی نهایتاً پاسخگوی نیازهای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری نخواهد بود و لجنة تبلیغ ناحیه‌ای تشکیل می‌شود و جلسات تأمل و بازنگری نهادینه می‌گردد. با تعاملات مشترک لجنة، مؤسسه آموزشی و اعضای هیئت معاونت، طرحی کامل برای هماهنگ نمودن فعالیت‌ها به اجرا در می‌آید، طرحی که بالقوه دارای همه قابلیت‌های مورد نیاز برای تسهیل مؤثر ابلاغ هدايات، حرکت منابع مالی و توزیع اطلاعات می‌باشد. در این زمان، فرایند رشد در محدوده جغرافیایی ترتیبی خواهد داشت که با ادوار مشخص ترویج و تحکیم توازن یافته است و هر سه ماه یک بار با تشکیل جلسه‌ای برای تأمل، بازنگری و برنامه‌ریزی، بدون وقفه به پیش می‌رود.

در این مرحله نیز اعضای هیئت معاونت و دیگر مؤسسات و نهادهای مربوطه مانند شورای منطقه‌ای و هیئت‌مدیره مؤسسه آموزشی باید تمهیدات لازم را مجری دارند تا ساختارهای اداری که در محدوده جغرافیایی شکل می‌گیرد از خصوصیات لازم برخوردار باشد. دوره‌های متسلسل که فرایند تقلیب جامعه را به نحوی چنین مؤثر تسهیل می‌نماید و استفاده از آن را به همه مؤسسات آموزشی توصیه نموده‌ایم، به خصوص چنان طرح‌ریزی شده است که جوی ایجاد نماید که هم مشارکت عمومی را سبب گردد و هم به حمایت و مساعدت متقابل کمک نماید. در پیام رضوان، ماهیت روابط بین افراد را در چنین محیطی که همگی خود را رهروان یک مسیر مشترک خدمت می‌بینند به اختصار شرح دادیم و هم چنین اشاره نمودیم که چنین محیطی بر امور اداری امرالله بی‌تأثیر نیست. احباً با مشارکت روزافزون در امور تبلیغی و اداری، مشارکتی که با حالت یادگیری خاضعانه صورت می‌گیرد، هر وظیفه و هر تعاملی را باید فرصتی برای همکاری در جهت پی‌گیری پیشرفت و موهبتی برای همراهی یکدیگر در میدان خدمت به امرالله بدانند. از این طریق گرایش به زیاده‌روی در تعلیم کاهش خواهد یافت و تمایل به تقلیل یک فرایند پیچیده تقلیب روحانی به چند گام ساده بر طبق مقررات یک دستورالعمل برطرف خواهد شد. اقدامات پراکنده در زمینه‌ای مشترک مرتبط می‌گردد و حتی کوچک‌ترین گام‌ها پرمعنا می‌شود. عمل کرد قوای روحانی در میدان خدمت به طور روزافزون نمایان می‌شود و پیوندهای دوستی که برای یک الگوی صحیح رشد جنبه حیاتی دارد مستمراً تقویت می‌گردد.

در این صحنه که فرایندها بسط می‌یابد، ساختارها شکل می‌گیرد و دوستی‌ها تداوم پیدا می‌کند، آن لحظه‌ای که به "آغاز" یک برنامه فشرده رشد معروف گردیده نشانه این تشخیص آگاهانه است که همه عناصر لازم برای تسریع ترویج و تحکیم امرالله نه تنها موجود بلکه از کارآیی لازم نیز برخوردار است و علامت بلوغ نظمی دائم التوسعه و خودکفا برای تهذیب روحانی یک جمعیت است: گروه‌هایی از دوستان به طور مداوم دوره‌های

مؤسسه آموزشی را طی می‌کنند و به فعالیت‌های مربوطه مشغول می‌شوند و این فعالیت‌ها به نوبه خود باعث افزایش تعداد مقبلین جدید می‌گردد که پیوسته درصد قابل ملاحظه‌ای از آنان به فرایند مؤسسه آموزشی می‌پیوندند و بدین ترتیب گسترش سیستم تضمین می‌گردد. این قابلیت، نماد دیگری از پیشرفت در یک فرایند رشد پایدار است که دوستانی که در محدوده جغرافیایی به فعالیت اشتغال دارند باید به آن برسند.

منظور از تکرار آنچه در پیام‌های قبلی بیان کرده‌ایم تأکید بر این نکته است که چگونه حرکت یک جمعیت، حرکتی ملهم از مقاصد و اصول امر الهی، وقتی دست‌خوش ملاحظات نامربوط نگردد می‌تواند به راحتی گسترش یابد. البته تصور این نیست که مسیری که در فوق به اختصار توصیف گردیده عاری از مشکلات باشد. پیشرفت نتیجه عبور از فراز و نشیب بحران و پیروزی است و برخورد به موانع اجتناب‌ناپذیر است. کاهش در مشارکت، اختلال در ادوار فعالیت‌ها، شکاف موقت در پیوندهای اتحاد از جمله چالش‌های بی‌شماری است که باید احتمالاً با آن روبه‌رو شود. در بسیاری از موارد افزایش منابع انسانی یا توانایی استفاده از خدمات‌شان پاسخگوی نیازهای ترویج سریع نخواهد بود. ولی با تحمیل فرمولی بر این فرایند نیز یک الگوی رشد با توازن مطلوب حاصل نخواهد شد. عدم توازن در پیشرفت فعالیت‌های مختلف جزئی از طبیعت این فرایند است و با صبر و به مرور زمان می‌توان آن را تعدیل نمود. کاهش دادن یک فعالیت در حال شکوفایی بر اساس تصورات نظری در مورد چگونگی حصول رشد متعادل، غالباً نتیجه معکوس به بار می‌آورد. اگرچه ممکن است احبای یک محدوده جغرافیایی از تجارب کسانی بهره‌مند گردند که الگوی لازم برای عمل را در محدوده‌های دیگر پیاده کرده‌اند ولی تنها از طریق مشارکت خودشان در اقدام مستمر و تأمل و مشورت است که می‌آموزند قرائتی از واقعیات اطراف خود داشته باشند، امکانات خویش را تشخیص دهند، از منابع خود استفاده نمایند و به نیازهای ترویج و تحکیم در مقیاس وسیع پاسخ گویند.

امروزه حدود ۱,۶۰۰ محدوده جغرافیایی در سراسر جهان وجود دارد که در آن دوستان موفق شده‌اند الگوی عمل برای یک برنامه فشرده رشد را ایجاد نمایند. اگرچه این دست‌آورد مهم است ولی به هیچ وجه نمی‌توان آن را حدّ اعلاّی فرایندی دانست که در هر محدوده شتاب گرفته است. مرزهای جدیدی از یادگیری اکنون به روی دوستان باز شده است و از آنان دعوت می‌شود که قوای خود را وقف ایجاد جوامعی نمایند که پویا و در حال رشد بوده دیدگاه حضرت بهاء‌الله برای بشریت را بیش از پیش منعکس می‌سازد. این محدوده‌های جغرافیایی هم‌چنین باید منبعی بالقوه از مهاجرینی باشد که بیشتر در میدان مهاجرت داخلی به محدوده‌های جغرافیایی یکی بعد از دیگری اعزام شوند تا در بعضی از این محدوده‌ها اولین اشعه انوار ظهور جمال مبارک را تابان نمایند و در برخی دیگر حضور امر الهی را قوی سازند و کلاً همه را قادر نمایند که به طرف اولین نماد پیشرفت در مسیر توسعه فرایند رشد و یا ورای آن با سرعت پیش روند. با توجه به این نکات، در رضوان سال ۲۰۱۱ از جامعه اسم اعظم دعوت خواهیم نمود که در طی پنج سال آینده تعداد محدوده‌های جغرافیایی را که در آن یک برنامه رشد، در هر سطحی از فشرده‌گی، در جریان است به ۵,۰۰۰ یعنی تقریباً معادل یک سوّم تمام محدوده‌های جغرافیایی فعلی موجود در جهان افزایش دهند.

پیشبرد مرزهای یادگیری

آنچه در صفحات فوق و در پیام‌های متعدّد در طی پانزده سال اخیر توصیف نموده‌ایم می‌توان به منزله تازه‌ترین رویکرد از یک سلسله رویکردهایی دانست که از بدایت امر تا به حال برای رشد جامعه بهائی اتخاذ شده و هر یک متناسب با اوضاع و احوال تاریخی خاص خود بوده است. این فرایند رشد که به نیروی خلاقه الهی در حرکت است بیش از یک صد و شصت سال پیش با شور و شوق عمیق ناشی از اجابت ندای یوم جدید ربّ مجید توسط هزاران نفر در مهد امرالله آغاز گردید و با تلاش‌های مؤمنین اولیه برای رساندن پیام حضرت بهاءالله به کشورهای همسایه در شرق و جمعیت‌های پراکنده‌ای در غرب تحرک یافت. با صدور الواح نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء ساختار عظیم‌تری یافت و با استقرار سیستماتیک مهاجرین در سراسر کره ارض در تحت هدایات حضرت ولی امرالله به منظور تأسیس مراکز کوچکی از فعالیت‌های بهائی و بنای اولین ستون‌های نظم اداری شدت یافت. با اقبال جم غفیری به امر مبارک این فرایند در مناطق روستایی جهان قوت گرفت اما در حالی که احبّا در صدد یافتن تدابیری برای تداوم ترویج و تحکیم در مقیاس وسیع برآمدند پیشرفت آن به نحو قابل ملاحظه‌ای کند گردید. سرعت این فرایند در پانزده سال گذشته، بعد از آنکه در آغاز نقشه چهارساله از عالم بهائی دعوت نمودیم که بر اساس تجارب حاصله در طی ده‌ها سال یادگیری دشوار ولی گران‌بها امر تبلیغ را بر پایه‌ای سیستماتیک قرار دهد، مرتباً در حال افزایش بوده است. رویکرد کنونی رشد، با وجود کارایی آن، پس از اینکه در یک محدوده جغرافیایی قوام گرفت باید باز هم از نظر پیچیدگی و آراستگی تکامل یابد تا "نیروی اجتماع‌سازی" را که در بطن امر الهی نهفته است بیش از پیش نمایان سازد.

حضرت ولی محبوب امرالله در اشاره به پیشرفت جامعه جهانی بهائی به کرات احبّا را تشویق می‌فرمودند که در مقصد خود ثابت قدم بمانند و در مساعی خویش استقامت ورزند. هیکل مبارک با رضایت خاطر از فعالیت احبّا می‌فرمایند که "با آگاهی از مسئولیت‌های عالیّه خویش و اعتماد به نیروی اجتماع‌سازی که آیین‌شان دارا است مساعی خود را بی‌هراس و بی‌واهمه برای ایجاد و اكمال وسایل و ابزار لازمه‌ای معطوف می‌دارند که نظم جینی جهانی حضرت بهاءالله می‌تواند در آن رشد و توسعه یابد." سپس به آنان یادآوری می‌فرمایند که "همین فرایند نامشهود و بطیء سازندگی" است که "تنها امید" بشریتی مایوس و سرگردان می‌باشد. از آثار حضرت ولی امرالله کاملاً روشن است که این فرایند به توسعه و نفوذ خود ادامه خواهد داد و نظم اداری به موقع نشان خواهد داد که "نه تنها قابلیت آن را دارا است که به منزله هسته نظم بدیع الهی محسوب گردد بلکه نمونه کامل آن است." "در جهانی که بنیان مؤسّسات سیاسی و اجتماعی اش معیوب، بینش تاریک، وجدانش آشفته و نظام‌های دینش ضعیف و عاری از فضایل و مناقب است، این عامل شفابخش، این نیروی تقلیب‌کننده، این قوه الفت‌دهنده در غایت جلوه و تأثیر به تدریج در کالبد مؤسّسات متبلور می‌شود و نیروهایش را بسیج می‌کند."

آنچه باید بدیهی باشد این است که اگر این نظم اداری قرار است الگویی برای اجتماع آینده باشد پس جامعه‌ای که این الگو در درون آن پرورش می‌یابد نه تنها بایستی توان‌مندی لازم را کسب نماید تا بتواند به نیازهای

مادّی و معنوی بیش از پیش پیچیده پاسخ گوید بلکه باید به نحو روزافزونی بزرگ‌تر و گسترده‌تر گردد. چگونه می‌تواند غیر از این باشد. یک جامعه کوچک که اعضای آن به سبب عقاید مشترک‌شان با یکدیگر متحدند، آرمان‌های والا و ویژگی خاص آن است، در اداره امور خویش ماهر و در برآوردن نیازهای خود کارآمد است و احتمالاً به چند طرح بشردوستانه نیز اشتغال دارد — یک چنین جامعه‌ای شکوفا ولی دور از واقعیت‌هایی که توده‌های وسیع بشریت با آن سروکار دارند هرگز نمی‌تواند امیدوار باشد که به منزله الگویی برای تجدید ساختار تمامی جامعه بشری عمل نماید. مایه سرور عمیق این جمع است که جامعه بهائی در سراسر عالم توانسته است از خطرات خودخوشنودی و سهل‌انگاری بپرهیزد. جامعه برآستی زمام امور ترویج و تحکیم خود را به خوبی در دست دارد. اما تا یادگیری روش‌های تمثیت امور تعداد فزاینده‌ای از مردم در روستاها و شهرهای مختلف کره زمین و معرفی معیارهای نظم جهانی حضرت بهاءالله به جهانیان هنوز راه درازی در پیش است.

رسیدن به این هدف وظیفه خطیری است که پیش‌گامان فرایند یادگیری باید آن را بپذیرند، فرایندی که پیشرفت آن در طی نقشه آینده ادامه خواهد یافت. هر جا یک برنامه فشرده رشد تأسیس می‌گردد شایسته است که دوستان نهایت سعی و کوشش خود را جهت بالا بردن سطح مشارکت مبذول دارند. به جا است که به شدت تلاش کنند تا سیستمی که با چنین زحمتی به وجود آورده‌اند محدود و درون‌گرا نشود بلکه بیش از پیش گسترش یابد و مردمان بیشتری را در برگیرد. حال که نسبت به توانایی خود در تعامل با مردم از همه طبقات و مکالمه با آنها در باره مقام حضرت بهاءالله و ظهور اعظمش اعتماد بیشتری کسب نموده‌اند نباید استعداد روحانی قابل ملاحظه و فراتر از آن، حسّ اشتیاقی را که در مردم یافته‌اند نادیده بگیرند. و یقین داشته باشند که معرفی مستقیم امر مبارک هنگامی که با عمق کافی صورت گیرد و از طریق رویکرد مناسبی نسبت به تحکیم تقویت گردد می‌تواند نتایج پایدار به بار آورد. به جا است که درس‌های گذشته را فراموش نکنند، درس‌هایی که شگنی باقی نگذاشته است که یک گروه نسبتاً کوچک از پشتیبانان فعال امر هر چقدر هم عالم و کاردان و از جان گذشته و فداکار باشند قادر نخواهند بود پاسخگوی نیازهای جوامعی باشند که مشتمل بر صدها نفر مرد و زن و کودک است تا چه رسد به هزاران نفر. مقتضیات مسئله کاملاً روشن است. اگر در یک محدوده جغرافیایی تعداد افرادی که مسئولیت ترویج و تحکیم را بر عهده می‌گیرند ده‌ها نفر است و چند صد نفر در فعالیت‌های حیات جامعه مشارکت می‌نمایند هر دو رقم باید به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش یابد به طوری که در پایان نقشه صد یا دویست نفر مشارکت هزار یا دوهزار نفر را تسهیل نمایند.

مایه امیدواری است که در حال حاضر در ۳۰۰ محدوده از ۱,۶۰۰ محدوده جغرافیایی در سراسر عالم با برنامه‌های فشرده رشد، احباً به میدان جدیدی از یادگیری که اکنون به روی آنها گشوده شده است گام نهاده و در تعدادی نه چندان کم از این محدوده‌ها این یادگیری وسعت بیشتری پیدا کرده است. تقویت فرایندهای آموزشی که توسط مؤسسه آموزشی در همه این قبیل محدوده‌ها، هر یک بر حسب شرایط خود، آغاز گردیده یعنی تشکیل کلاس‌های منظم برای خردسال‌ترین اعضای جامعه، تأسیس گروه‌های به هم وابسته نوجوانان و حلقه‌های مطالعه برای جوانان و بزرگسالان البته حائز اهمیت بسیار است. قسمت اعظم آنچه که لازمه این تقویت می‌باشد در پیام

رضوان توضیح داده شده است. در چنین محدوده‌هایی، دوستانی که از نزدیک شاهد اثرات تقلیب‌کننده فرایند مؤسسه آموزشی بوده‌اند بدون استثنا در تلاشند تا درک کامل تری از ویژگی‌های نهفته آن پیدا کنند یعنی روح دوستی و رفاقتی که به وجود می‌آورد، روش مشارکتی که اتخاذ می‌نماید، عمق فهمی که ترویج می‌دهد، خدماتی که توصیه می‌کند و بالاتر از همه اتکای آن به کلام الهی. آنان از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کنند تا این فرایند بازتابی باشد از آنچه دوره‌های مؤسسه آموزشی به وضوح بر آن تأکید دارد — مکملیت "بودن" و "عمل کردن"، مرکزیت دانش و کاربرد آن، اجتناب از دوگانگی‌های ساختگی، اهمیت حفظ کردن کلام الهی و توجه به بالا بردن سطح آگاهی بدون بیدار کردن نفس اماره.

افزایش قابلیت برای اداره امور

هرچند در محدوده‌های جغرافیایی که پیش‌گام یادگیری هستند عناصر اصلی فرایند رشد تغییر نمی‌کند ولی تنها افزایش تعداد نفرات و فعالیت‌ها مستلزم آن است که طرح‌های سازمان‌دهی به سطحی پیچیده‌تر برسد. ابداعات و نوآوری‌های مختلفی تا به حال بر حسب مقتضیات جغرافیایی و رشد کمی جامعه عرضه گردیده است مانند: تقسیم محدوده جغرافیایی به واحدهای کوچک‌تر، تمرکززدایی در تشکیل جلسات تأمل و بازنگری، تعیین دستیار برای هماهنگ‌کنندگان مؤسسه آموزشی و اعزام گروه‌هایی از احباب با تجربه برای حمایت از دیگران. این جمع اطمینان کامل دارد که در طی نقشه آینده دارالتبلیغ بین‌المللی با مساعدت ارزنده شما این پیشرفت‌ها را پی‌گیری کرده کمک خواهد نمود تا درس‌های آموخته‌شده در قالب روش‌ها و ابزار آزموده تثبیت گردد. به این منظور، به همت شما و اعضای هیئت معاونت باید جوی به وجود آید که احباً را تشویق نماید تا روش مند باشند ولی نه انعطاف‌ناپذیر، خلاق باشند ولی نه بی‌نظم، قاطع باشند ولی نه عجول، مراقب باشند ولی نه سلطه‌جو، و آگاه باشند که در نهایت، وحدت فکر و اقدام مستمر و اشتیاق به یادگیری است که باعث پیشرفت می‌گردد نه فن و مهارت.

ماهیت ترتیب هماهنگ نمودن فعالیت‌ها در مقیاس وسیع در سطح محدوده جغرافیایی هر چه باشد، تداوم پیشرفت بستگی به رشد محافل روحانی محلی و افزایش قابلیت شوراهای منطقه‌ای بهائی و نهایتاً محافل روحانی ملی خواهد داشت. در پیام رضوان، خرسندی خود را از ملاحظه رشد قابلیت محافل ملی ابراز داشتیم و حال نیز با خوش بینی به پنج سال آینده می‌نگریم و اطمینان داریم که در این راستا شاهد جهش‌های قابل ملاحظه‌ای خواهیم بود. به علاوه تردیدی نداریم که شما به اتفاق محافل ملی قادر خواهید بود به شوراهای منطقه‌ای کمک نمایید تا توانمندی تشکیلاتی خود را افزایش دهند. در حال حاضر ۱۷۰ شورای منطقه‌ای در ۴۵ کشور در سراسر عالم وجود دارد و مطمئناً تعداد آنها در طی نقشه بعدی افزایش خواهد یافت. همه شوراهای منطقه‌ای باید توجهی دقیق به عملیات مؤسسه آموزشی و وظایف لجنات تبلیغ ناحیه‌ای مبذول دارند. در این راستا در خواهند یافت که باید مکانیزم‌هایی را ایجاد و تلطیف نمایند که به پیشبرد الگوی رشد محدوده جغرافیایی و فرایند یادگیری مربوط به آن کمک نماید از قبیل: یک دفتر منطقه‌ای کارآمد که در امور اولیه سازمان‌دهی به منشی کمک نماید، یک

سیستم مناسب حساب‌داری که ارسال منابع مالی به محدوده جغرافیایی و بالعکس را از طریق مجاری مختلف ممکن سازد، یک وسیله کارآمد ارتباطات که با واقعیت‌های زندگی در دهکده و محله تناسب داشته باشد، و در صورت اقتضا، یک ساختمان که انجام فعالیت‌های متزاید و متمرکز را تسهیل نماید. آنچه در این راستا قبولش حائز اهمیت می‌باشد این است که چنین مکانیزم‌هایی تنها وقتی مؤثر واقع خواهد شد که شوراهای منطقه‌ای خود با روحیه یادگیری به انجام وظیفه مشغول باشند. در غیر این صورت، مکانیزم‌هایی که به وجود می‌آید اگرچه به صورت ظاهر برای آن است که به یادگیری در حین عمل تعداد فزاینده‌ای از شرکت‌کنندگان در محله‌ها و دهکده‌ها کمک کند ولی ممکن است از طرفی ناملموس اثرات منفی بر یادگیری داشته و به طور ناخواسته امیدهای فزاینده در سطح مردمی را فرونشاند.

در حالی که همکاری با محافل روحانی ملی و شوراهای منطقه‌ای یکی از مسائل مهم مورد توجه شما خواهد بود اعضای هیئت معاونت می‌بایستی بیش از پیش نیروی خود را صرف پرورش توانمندی تشکیلاتی در سطح محلی نمایند چه که در این سطح است که نیاز به جامعه‌سازی به وضوح احساس می‌شود. به منظور کمک به اینکه بتوانید وظایف اعضای هیئت معاونت و مساعدين شان را در همه جا، به خصوص در محدوده‌های جغرافیایی با برنامه‌های ترویج و تحکیم در مقیاس وسیع، تجسم نمایید از شما می‌خواهیم که اول در باره تکامل محافل روحانی محلی در بسیاری از مناطق روستایی جهان تأمل نمایید، مناطقی که امروزه بخش اعظم چنین محدوده‌هایی را در بر می‌گیرد.

همان طور که مطلعید در یک محدوده روستایی که شامل تعدادی ده و شاید یک یا دو شهر کوچک می‌باشد مساعی احباً، در دورانی که الگوی عمل مربوط به یک برنامه فشرده رشد در حال شکل‌گیری است، غالباً منحصر به چند محل می‌باشد. اما همان طور که در پیام رضوان امسال توضیح داده شده این الگو را بعد از استقرار می‌توان به سرعت به سایر دهکده‌ها یکی بعد از دیگری گسترش داد. در هر محل، ابتدا محفل روحانی محلی تأسیس می‌گردد و تکامل مستمر آن مسیری را طی می‌کند که به موازات و کاملاً مرتبط با فرایند نوپای رشدی است که در دهکده جریان دارد. رشد محفل محلی را نیز باید مانند دیگر جنبه‌های این فرایند از زاویه پرورش قابلیت نگریست.

آنچه در وهله اول باید انجام شود نسبتاً واضح است: آگاهی فردی از فرایند رشدی که در دهکده در حال شتاب‌گیری است و نتیجه اشتغال شخصی هر فرد در فعالیت‌های اساسی نقشه می‌باشد بایستی به یک آگاهی جمعی بدل شود که هم ماهیت تقلیب و تغییر در حال وقوع را تشخیص دهد و هم به وظیفه محفل روحانی برای پرورش آن واقف باشد. بدون شک بعضی از وظایف اولیه اداری امری مانند تشکیل جلسات نسبتاً منظم محفل، برگزاری ضیافات نوزده‌روزه و تدارک بزرگداشت ایام متبرکه، تأسیس یک صندوق محلی و انجام انتخابات سالیانه طبق اصول بهائی، باید مورد توجه قرار گیرد. ولی برای محفل روحانی محلی نباید مشکل باشد که هم‌زمان با این مساعی و به تشویق یکی از مساعدين اعضای هیئت معاونت در باره یک یا دو مسئله خاص که با حیات جامعه ارتباط نزدیک دارد به مشورت پردازد. مثلاً، چگونه خصلت نیایش در دهکده از طریق مساعی افرادی که اولین

دوره مؤسسه آموزشی را به اتمام رسانده‌اند تقویت می‌شود؟ چگونه معلّمنی که توسط مؤسسه تعلیم داده شده‌اند به تربیت روحانی کودکان رسیدگی می‌کنند؟ چگونه استعداد نوجوانان از طریق برنامه توان‌دهی روحانی شکوفا می‌شود؟ و چگونه بافت روحانی و اجتماعی جامعه با ملاقات دوستان در منازل یکدیگر تقویت می‌گردد؟ با مشورت در باره چنین مطالب مشخصی، محفل می‌آموزد که فرایند رشد را صبورانه و با محبت پرورش دهد و روابطش با لجنه تبلیغ ناحیه‌ای و با مؤسسه آموزشی بر اساس یک مقصد مشترک مستحکم می‌گردد. اما از همه مهم‌تر بنای شالوده‌ای را آغاز خواهد کرد که بر روی آن می‌توان آن روابط بسیار صمیمانه و حمایت‌آمیزی را که محافل روحانی باید با افراد احباً برقرار سازند و حضرت ولیّ محبوب امرالله آن را در بسیاری از توقیعات خود توصیف فرموده‌اند بنا نمود.

واضح است که یادگیری شور و مشورت در باره مسائل خاصّ مربوط به نقشه جهانی هر قدر مهم و اساسی باشد فقط یکی از ابعاد فرایند ایجاد توان‌مندی است که محفل روحانی محلی باید به آن اشتغال ورزد. تکامل مستمرّ محفل روحانی اطاعت از این دستور حضرت عبدالبهاء را ایجاب می‌نماید که می‌فرمایند: "مذاکرات به تمامها محصور در امور روحانیّه که تعلق به اداره تربیت نفوس و تعلیم اطفال و اعاشه فقرا و اعانه ضعیفا جمیع فرق عالم و مهربانی به کلّ امم و نشر نفعات الله و تقدیس کلمه الله باشد." پیشرفت پایدار محفل مستلزم تعهد استوار به پیشبرد مصالح جامعه و مراقبت در حفظ فرایند رشد از نفوذ نیروهای انحطاط اخلاقی است که خطر متوقف نمودن آن را دارد. لازمه ترقی مداوم محفل ایجاد حسّ وسیع تری از مسئولیت است، مسئولیتی که از دایره دوستان و خانواده‌هایی که به فعالیت‌های اساسی نقشه اشتغال دارند فراتر رفته تمامی جمعیت دهکده را در برگیرد. آنچه بلوغ تدریجی محفل را استمرار خواهد بخشید ایمانی راسخ به وعده حضرت عبدالبهاء است که می‌فرمایند هر محفل روحانی را در کهف حفظ و حمایت خود خواهند گرفت.

مسئله دیگری که با این افزایش آگاهی جمعی مرتبط است رشد فزاینده توانایی محفل روحانی در ارزیابی و استفاده صحیح از منابع، اعم از مالی و غیره، هم در حمایت از فعالیت‌های جامعه و هم در ایفای وظایف اداری خویش است که ممکن است در بعضی موارد شامل انتصاب سنجیده لجنات و استفاده از یک ساختمان ساده نیز باشد. مسئله بسیار مهمّ دیگر توانایی محفل برای به وجود آوردن محیطی است که مشوقّ وحدت در عمل با شرکت تعداد زیادی از افراد باشد و توجه به اینکه انرژی و استعداد این افراد قطعاً کمکی به پیشرفت امور نماید. در همه این موارد، سلامت روحانی جامعه همواره بالاترین اولویت محفل است. و هرگاه مشکلات اجتناب‌ناپذیری پیش بیاید، چه در ارتباط با بعضی فعالیت‌ها و چه در بین افراد، محفل روحانی به آن رسیدگی خواهد نمود، محفلی که آن‌چنان اعتماد کامل اعضای جامعه را به خود جلب نموده که همه طبعاً برای طلب کمک به آن روی می‌آورند. این بدان معنا است که محفل به تجربه آموخته است چگونه به احباً کمک کند تا از روش‌های تفرقه‌افکن یک ذهنیت جانب‌گرا احتراز کنند، چگونه بذر اتحاد را حتی در دشوارترین و نامساعدترین شرایط بیابد و آن را تدریجاً و با محبت پرورش دهد و در تمام اوقات به حبل عدالت متمسک باشد.

با افزایش تعداد اعضای جامعه و ازدیاد توان‌مندی برای حفظ تحرک و نشاط، همان‌گونه که در گذشته اشاره نمودیم، احباً بیش از پیش به مشارکت در حیات عمومی اجتماع جلب خواهند شد و با این وظیفه مهم رو به رو خواهند گشت که به کمک رویکردهایی که ابداع کرده‌اند در حل مسائل پدیده و وسیعی که دهکده‌شان با آن مواجه است شرکت نمایند. مسئله انسجام که برای رشدی که تاکنون حاصل شده این چنین ضروری بوده و برای چارچوب عملی در حال تکامل نقشه نیز بسیار مهم است، حال ابعاد جدیدی پیدا می‌کند. محفل روحانی محلی نه در مقام مجری پروژه بلکه در مقام یک مرجع اخلاقی باید مراقب باشد که هم‌چنان که احباً می‌کوشند تا با به کارگرفتن تعالیم بهائی و از طریق فرایند عمل، تأمل و مشورت به اصلاح شرایط بپردازند، لطمه‌ای بر یک‌پارچگی مساعی‌شان وارد نشود.

پیام رضوان سال ۲۰۱۰ بعضی از خصوصیات اقدام اجتماعی در سطح مردمی و شرایطی را که باید دارا باشد توصیف نموده است. مجهودات در یک دهکده معمولاً در مقیاس محدود و شاید از طرف گروه‌های کوچک از دوستانی آغاز می‌گردد که هر یک نیاز اجتماعی یا اقتصادی خاصی را شناسایی کرده و اقدامات مناسب ساده‌ای را دنبال می‌کنند. مشورت در ضیافات نوزده‌روزه فضای مناسبی به وجود می‌آورد تا آگاهی‌فزاینده اجتماعی جامعه به طریقی سازنده جلوه نماید. صرف نظر از ماهیت فعالیت‌ها، محفل محلی باید مراقب خطرهای بالقوه باشد و در صورت لزوم به احباً کمک نماید که از آنها بگذرند از جمله: فریب پروژه‌های بلندپروازانه که انرژی زیادی را مصرف خواهد کرد و سرانجام حاصلی نخواهد داشت، وسوسه کمک‌های مالی که مستلزم دوری جستن از اصول بهائی خواهد بود، امکانات استفاده از تکنولوژی که به طور فریبنده عرضه می‌شود ولی می‌تواند دهکده را از میراث فرهنگی اش محروم سازد و به چندپارچگی و اختلاف سوق دهد. استحکام فرایند مؤسسه آموزشی در دهکده و افزایش توان‌مندی‌هایی که در افراد پرورش داده است در نهایت ممکن است دوستان را قادر سازد که از روش‌ها و برنامه‌هایی که توسط یکی از سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی به وجود آمده و کارایی آنها به تجربه ثابت شده و در محدوده جغرافیایی به پیشنهاد و با حمایت دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی به اجرا درآمده است بهره‌گیرند. به علاوه محفل باید بیاموزد که با سازمان‌های اجتماعی و سیاسی محلی تعامل نماید و به تدریج آگاهی نسبت به حضور امر و تأثیری را که بر پیشرفت دهکده می‌گذارد افزایش دهد.

آنچه تشریح شد نمونه‌ای از خصوصیات است که محافل روحانی محلی در بسیاری از دهکده‌های جهان به تدریج کسب خواهند نمود و به برآوردن نیازهای جوامعی که رشد کمی روزافزونی دارند کمک خواهند کرد. با ظهور تدریجی قابلیت‌ها و اختیارات نهفته در این محافل، ساکنان هر دهکده اعضای آن را "امناء الرحمن بین الامکان" مشاهده خواهند نمود. بدین سان این محافل "سرج نورانیة و حدایق ملکوتیة" خواهند شد و "ینتشر منها نفحات القدس علی الآفاق و یشرق منها انوار العرفان علی الامکان و یسری منها روح الحیاة علی کلّ الجهات".

یک چنین بینش رفیعی البته در مورد محافل روحانی محلی در سراسر جهان نیز صادق است. ماهیت تکامل یک محفل حتی در یک شهر بزرگ اساساً به همین نحو می‌باشد. تفاوت‌ها اصولاً در وسعت و تنوع

جمعیت است. مورد اول یعنی تفاوت در وسعت ایجاب می‌کند که ناحیه تحت اشراف محفل به اقتضای احتیاجات رشد به چند محله تقسیم شود و در هر یک به تدریج مکانیزم‌هایی برای رسیدگی به امور امری فراهم گردد. مورد دوم یعنی تنوع جمعیت مستلزم آن است که محفل علاوه بر فضای جغرافیایی با فضاهای اجتماعی بی‌شماری که در آن بخش‌هایی از جمعیت مستلزم آن است که محفل آشنا گردد و تا حد امکان حکمت‌های نهفته در تعالیم را به آنها ارائه دهد. مضافاً، سازمان‌ها و ساختارهای اجتماعی، سیاسی و یا فرهنگی موجود در یک شهر بزرگ که محفل باید کیفیت تماس با آنها را بیاموزد از نظر تنوع بسیار وسیع تر و از نظر تعداد به مراتب بیشتر از مناطق روستایی است.

خدمت در مؤسسات بهائی

با تشریح پیشرفت‌هایی که مایلیم در طی نقشه پنج‌ساله بعدی در امور اداری امری مشاهده کنیم، هشدارهای مکرر حضرت ولی‌امرالله را به خاطر می‌آوریم که در توفیقی به زبان انگلیسی می‌فرمایند: "باید مراقب باشیم که مبدا با توجه بیش از حد به اِکمال تشکیلات اداری امری، مقصد الهی از ایجاد آن را از نظر دور داریم." هیکل مبارک به طور مکرر فرموده‌اند که سیستم اداری بهائی "بایستی به منزله یک وسیله منظور شود و نه اینکه خود به یک هدف" تبدیل گردد و به وضوح می‌فرمایند که منظور نظم اداری خدمت به "مقاصد دوگانه" است. از یک سو "باید ترویج مستمر و تدریجی" امرالله را "از طریق وسیع، صحیح و جامع هدف قرار دهد" و از سوی دیگر "باید تحکیم درونی توفیقات حاصله را موجب گردد." در ادامه می‌فرمایند که "تشکیلات اداری بهائی باید موجب شود که از طریق آن قوای پویای نهفته در امر الهی ظاهر و متبلور گردد و حیات و رفتار انسان‌ها را شکل دهد و هم به منزله واسطه‌ای برای تبادل افکار و هماهنگی فعالیت‌ها در بین عناصر متنوعی که جامعه بهائی را تشکیل می‌دهند عمل نماید."

امید و طید این جمع آن است که شما عزیزان در طی نقشه بعدی در مساعی خود برای توسعه صحیح و متوازن امور اداری امرالله در تمام سطوح، از محلی تا ملی، نهایت کوشش خود را به کار برید و به احب کمک نمایید تا وظایف خود را در بستر فرایند رشد جامعه که به نحوی ارگانیک در سراسر عالم در حال شتاب گرفتن است ایفا نمایند. تحقق این امید به میزان زیادی بستگی به آن خواهد داشت که کسانی که به انجام چنین خدماتی دعوت شده‌اند — چه به عضویت محفل روحانی انتخاب گردیده یا به عضویت یکی از دوائر آن منتصب شده باشند، خواه به سمت هماهنگ‌کننده یک مؤسسه آموزشی برگزیده شده و یا به معاونت شما منصوب شده باشند — تا چه حد تشخیص دهند که این انتخاب یا انتصاب افتخار بزرگی است که نصیب آنان شده است و حد و مرزهایی را که این موهبت برایشان تعیین می‌نماید بشناسند.

خدمت در مؤسسات و دوائر امری براستی موهبتی بس عظیم است ولی نه موهبتی که افراد به دنبال کسب آن باشند بلکه وظیفه و مسئولیتی است که یک فرد ممکن است در هر مقطع زمانی به انجامش دعوت شود. کلیه کسانی که در میادین اداری بهائی به خدمت مشغولند البته این احساس را خواهند داشت که افتخار بی‌ظیبری

شامل حال‌شان شده است زیرا که به نحوی از انحا جزئی از اجزای ساختاری هستند که به منظور سرپان روح امرالله در عالم طرح‌ریزی شده است. اما این افراد نباید تصور نمایند که چنین خدمتی این حق را به آنان می‌دهد که در حاشیه فرایند یادگیری که همه جا در حال قوت گرفتن است فعالیت نمایند و از انجام مستلزمات طبیعی آن معاف باشند. هم‌چنین نباید گمان رود که عضویت در هیئت‌های اداری فرصتی فراهم می‌سازد که فرد با استفاده از آن بتواند استنباط شخصی خود را از مفاد آثار مقدسه و از نحوه اجرای تعالیم ترویج نماید و جامعه را در جهت اولویت‌های شخصی خود سوق دهد. حضرت ولی‌امرالله در یکی از تویعات مبارک به زبان انگلیسی با اشاره به اعضای محافل روحانی می‌فرماید که "باید به کلی خواسته‌ها و امیال خود و علائق و تمایلات شخصی خویش را نادیده گرفته فکر خود را حصر در اموری نمایند که خیر و صلاح جامعه بهائی را در بر دارد و مصالح عمومی را ترویج می‌نماید." مؤسسات بهائی اختیارات لازم برای هدایت احبا و تأثیرگذاری اخلاقی، روحانی و عقلانی در زندگی افراد و جوامع را دارند. اما این وظایف می‌بایستی با علم به این نکته انجام شود که خصلت بنیادین هویت تشکیلاتی بهائی همانا روح خدمت صمیمانه است. یک چنین برداشتی از اختیار و تأثیرگذاری ایجاب می‌کند که کسانی که اداره امور امرالله به آنان واگذار شده از خود فداکاری نشان دهند. مگر نه این است که حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: "...آهنی که در کوره آتش افتد صفات حدیدی که سیاهی و برودت و جمودت است و ناسوتیست مخفی و نابود گردد فضایل آتش که احمرار و ذوبان و حرارتست و ملکوتیست در آهن ظاهر و باهر شود." مولای حنون هم‌چنین می‌فرماید: "...شما باید در این مورد یعنی خدمت به عالم انسانی جان‌فشانی کنید و به جان‌فشانی شادمانی و کامرانی نمایید."

*

دوستان عزیز و محبوب: همان طور که به خوبی می‌دانید قلوب این مشتاقان غرق در سرور است که شما و اعضای هیئت‌های معاونت با چنین توانایی در پیشاپیش میادین تبلیغ به خدمت مشغولید و وظایف مقدسه خویش را مجری می‌دارید تا نار موقده محبت الله را در افنده و قلوب مشتعل ساخته یادگیری را ترویج نمایید و همه را در تلاش برای اتصاف به اخلاق نیک و شایسته مدد دهید. هنگامی که جامعه بهائی امریکای شمالی در انجام مسئولیت‌هایی که در الواح نقشه ملکوتی به آن تفویض شده بود اجرای اولین نقشه هفت‌ساله خود را آغاز نمود حضرت ولی‌عزیز امرالله بیانیه‌ای مفصل و مهمین مورخ ۲۵ دسامبر ۱۹۳۸ به زبان انگلیسی خطاب به احبای آن سامان صادر فرمودند که بعداً تحت عنوان *ظهور عدل الهی* منتشر گردید. این تویع منیع ضمن تشریح ماهیت وظایف دوستان، به آنچه هیکل مبارک آن را شرایط روحانی جهت موفقیت در همه اقدامات بهائی توصیف می‌فرماید، اشاره می‌نماید. هیکل انور می‌فرماید که سه شرط از این شرایط "در رتبه اولی و درجه‌اعلی از اهمیت قرار دارد": حسن رفتار، تمسک به ذیل عفت و عصمت در حیات فردی و آزادی از قیود تعصبات. با توجه به اوضاع امروز جهان شایسته است که در باره ملاحظات حضرت ولی‌امرالله و مقتضیات آن در ارتباط با مساعی جهانی جامعه بهائی جهت القای روح امر الهی در هر یک از محدوده‌های جغرافیایی تأمل و تفکر فرمایید.

حضرت ولی‌امرالله با اشاره به حسن رفتار از "عدالت، بی‌طرفی، صداقت، درست‌کاری، انصاف، قابل اعتماد بودن، و امانت" نام می‌برند که می‌باید "در همه شئون و احوال ما به الامتیاز حیات جامعه بهائی باشد" و تأکید می‌فرمایند که هرچند این ضروریات مربوط به همه اعضای جامعه است اما در درجه اول متوجه "نمایندگان منتخب ایشان اعم از محلی و منطقه‌ای و ملی" می‌باشد، نمایندگان که علو اخلاقیشان باید با "اثرات مخرب و مایوس‌کننده‌ای که بازتابی چشم‌گیر از یک حیات سیاسی پفساد است"، در تضادی آشکار باشد. هیکل مبارک خواهان "تمسکی دائم و خلل‌ناپذیر به حبل عدالت" در "جهانی که به نحو غربی آشفته و بی‌نظم" است می‌باشند و با نقل قول مکرر از آثار مبارکه جمال اقدس ابهی و حضرت عبدالبهاء توجه احباً را به موازین عالی صداقت و امانت جلب می‌فرمایند. از احباً می‌خواهند که در همه جنبه‌های حیات خود — در معاملات تجاری، در حیات خانواده، در کلیه مشاغل، در همه خدمات امری و خدمت به مردم — به حسن رفتار مزین باشند و با پیروی قاطع از احکام و اصول امر مبارک الزامات آن را رعایت نمایند. حیات سیاسی در سال‌های بعد از صدور این بیان مبارک به وضوح در همه جا به نحو وحشتناکی رو به زوال بوده چنانچه مفهوم سیاست‌مداری عاری از معنا شده، سیاست‌گذاری به اسم ترقی و پیشرفت در خدمت منافع اقتصادی عدّه معدودی درآمده و اجازه داده شده است که ترور و ربا موجب تضعیف کار ساختارهای اجتماعی و اقتصادی گردد. اگر در آن زمان رعایت موازین عالی بهائی توسط احباً مستلزم سعی و کوشش بسیار بود امروزه در جهانی که تقلب را ارج می‌نهد، فساد را تشویق می‌کند و حقیقت را کالایی قابل معامله می‌داند، چقدر باید این تلاش شدیدتر باشد. پریشانی و اغتشاشی که بنیان اجتماع را تهدید می‌کند بس عظیم است و اراده همه کسانی که به فعالیت‌های امری مشغولند باید آن‌چنان محکم و قوی باشد که مبادا کوچک‌ترین شائبه منافع شخصی بر قضاوت‌شان سایه افکند. سزاوار است که هماهنگ‌کنندگان هر مؤسسه آموزشی، اعضای هر لجنه تبلیغ ناحیه‌ای، هر یک از اعضای هیئت معاونت و فرد فرد مساعدین‌شان و تمام اعضای هر نهاد امری محلی، منطقه‌ای و ملی، اعم از انتخابی و انتصابی، اهمّیت نصایح حضرت ولی‌عزیز امرالله را درک نمایند و در قلب خود در باره مقتضیات شایستگی اخلاقی که هیکل مبارک با چنان صراحتی تشریح فرموده‌اند تأمل و تعمق نمایند تا سلوک و رفتارشان برای بشر خسته و مبتلا، یادآوری از شرافت ذاتی و سرنوشت عظیمی که در انتظار اوست باشد.

بیانات صریح حضرت ولی‌امرالله در باره اهمّیت عفت و عصمت در حیات فردی و "مقتضیات آن از میانه‌روی، پاک‌دامنی، خویش‌داری، نجابت و پاک‌اندیشی" امروز نیز به همان اندازه برای موفقیت مشروعات بهائی لازم است. هیکل مبارک با لحنی واضح احباً را به حیاتی پاک و طاهر فرا می‌خوانند، حیاتی منزّه از "اعمال نادرست، فسق و فجور و شئون و موازین کاذبه‌ای که یک معیار ذاتاً نارسای اخلاقی آن را تأیید، تقویت و تشدید می‌نماید." نیازی نیست که در این صفحات شواهدی از تأثیراتی که این ضوابط منحط هم‌اکنون بر جامعه بشری اعمال می‌کند و حتی دورافتاده‌ترین نقاط کره ارض فریفته و مسحور آن است ارائه دهیم ولی لازم می‌دانیم که به چند نکته راجع به مسئله خلوص و پاکی اشاره نماییم. قوای مخرب و اثرگذار بر قلوب و اذهان جوانان — کسانی که حضرت ولی‌امرالله مشتاقانه آنان را مخاطب قرار داده‌اند — برآستی مهلک و خطرناک است. پند و

اندرز در رعایت پاکی و عصمت تنها به میزان محدودی می‌تواند به آنان کمک کند تا در مقابل این قوا مقاومت نمایند. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که افکار جوانان تا چه حد تحت تأثیر گزینه‌هایی است که والدین در زندگی خود اتخاذ می‌کنند، گزینه‌هایی که هرچند غیر عمدی و معصومانه، امیال دنیوی را مانند ستایش قدرت، پرستش مقام و منزلت، عشق به تجملات، دل‌بستگی به امور سطحی و بیهوده، ستودن خشونت و اعتیاد به لذت‌جویی را به طور ضمنی قبول می‌نماید. این واقعیت را باید قبول کرد که انزوا، یأس و ناامیدی که بسیاری از آن رنج می‌برند زائیده محیطی است که ماده‌گرایی فراگیری بر آن حاکم باشد. و در این راستا است که احباً باید عواقب این بیان حضرت بهاءالله را درک نمایند که می‌فرمایند "بساط عالم" باید "جمع شود و بساط دیگر گسترده گردد." جوانان امروز در سراسر عالم جزو پرشورترین حامیان نقشه و غیورترین قهرمانان امر الهی می‌باشند و مطمئناً تعدادشان سال به سال افزایش خواهد یافت. انشاءالله که هر یک از آنان مواهب یک زندگی مزین به پاکی و تقوا را تجربه نمایند و بیاموزند تا از قوایی مددگیرند که در مجاری پاک جریان می‌یابد.

حضرت ولی‌امرالله سپس به موضوع تعصب پرداخته به وضوح می‌فرمایند که "هرگونه افتراق و انشقاق" در صف پیروان امر مبارک "مغایر با مقاصد و اصول و آمال این آیین نازنین است." آن حضرت کاملاً روشن می‌سازند که احباً باید مظاهر "آزادی کامل از قید تعصبات در رفتار با مردم از نژادها، طبقات، عقاید و الوان گوناگون" باشند. آنگاه مفصلاً به بحث در مورد مسئله خاص تعصب نژادی که "اثرات فرساینده‌اش" به فرموده مبارک، "تار و پود جامعه آمریکا را تحت تأثیر و تمامی ساختار اجتماعی آن را مورد حمله قرار داده است" می‌پردازند و در آن زمان می‌فرمایند که این مسئله "باید حیاتی‌ترین و خطیرترین مسئله‌ای تلقی گردد که جامعه بهائی در مرحله کنونی تکامل خود با آن مواجه است." قطع نظر از قوت و ضعف تدابیری که در رویارویی با این چالش خاص توسط ملت آمریکا و جامعه بهائی در حال تکامل آن اتخاذ گردیده، واقعیت این است که تعصبات از هر قسم و نوع — نژادی، طبقاتی، قومی، جنسی و مذهبی — هم‌چنان بر جامعه بشری سیطره دارد. اگرچه البته گام‌های بزرگی در عرصه گفتمان عمومی در ردّ آکاذیبی که موجب بروز انواع تعصب می‌گردد برداشته شده است ولی تعصبات هنوز در ساختارهای اجتماع رخنه دارد و به طور سیستماتیک بر افراد اثر می‌گذارد. بر همه باید روشن باشد که هدف فرایندی که سلسله نقشه‌های جهانی کنونی آن را به پیش می‌برد این است که با رویکردهایی که دنبال می‌کند و روش‌هایی که به کار می‌برد در مردم جهان از هر گروهی، بدون توجه به طبقه یا پیشینه مذهبی و بدون در نظر گرفتن قوم یا نژاد و صرف نظر از جنسیت یا موقعیت اجتماعی، قابلیت ایجاد نماید تا به پا خیزند و به پیشبرد تمدن بشری کمک نمایند. دعای این مشتاقان آن است که هم‌چنان که این فرایند مستمراً بسط می‌یابد امکانات بالقوه‌اش برای ناتوان ساختن ابزاری که نوع بشر در طی دوران طولانی طفولیت خود برای ظلم و ستم یک گروه علیه گروهی دیگر تعبیه نموده تحقق یابد.

فرایند تعلیم و تربیت مؤسسات آموزشی البته به پرورش آن شرایط روحانی که حضرت ولی‌امرالله در توفیق

ظهور عدل الهی به آن اشاره فرموده‌اند و نیز بسیاری از شرایط دیگری که در آثار امری مذکور است کمک می‌نماید، شرایطی که بایستی حیات جامعه بهائی را ممتاز سازد از جمله: روح اتحاد که باید حیات بخش احباً

باشد، پیوندهای عشق و محبت که باید هم‌بستگی آنان را موجب شود، ثبوت در عهد و میثاق که باید حامی و پشتیبان آنان باشد و توکل و اعتمادی که باید به تأییدات الهی داشته باشند. قابل توجه خاص است که این صفات ضروری در چارچوب ایجاد توان‌مندی برای خدمت و در محیطی پرورش می‌یابد که اقدام سیستماتیک را ترویج می‌نماید. برای ایجاد و گسترش چنین محیطی اعضای هیئت معاونت و مساعدين‌شان باید به اهمیت دو قاعده اساسی و مرتبط آگاه باشند. از یک طرف، موازین عالی اخلاقی که این ظهور اعظم تعیین فرموده هیچ‌گونه مصالحه و تبانی را نمی‌پذیرد، به هیچ وجه نمی‌توان آن را تقلیل داد و همگی باید به علو و عظمت آن چشم‌دوزند. از طرف دیگر، باید اذعان نمود که ما در رتبه انسانی با داشتن یک زندگی بدون عیب و نقص فاصله زیادی داریم و آنچه که از هر فرد انتظار می‌رود تلاش صادقانه روزانه است. از خود راضی بودن صفتی است که باید از آن احتراز نمود.

*

به غیر از مستلزمات روحانی یک زندگی منزه بهائی، عادت به شیوه‌هایی از تفکر نیز در بسط نقشه‌های جهانی مؤثر است. این عادات باید پرورش و گسترش یابد تا جزئی از فرهنگ جامعه گردد. گرایش‌هایی نیز وجود دارد که به تدریج باید بر آنها غلبه نمود. بسیاری از این گرایش‌ها تحت تأثیر رویکردهای رایج در اجتماع تقویت می‌گردد و راه‌یابی آن به فعالیت‌های بهائی نیز خارج از تصور نیست. ابعاد و وسعت چالشی که یاران حضرت رحمان در این مورد با آن رو به رو هستند از نظر این مشتاقان پنهان نیست زیرا باید بیش از پیش در حیات اجتماع مشارکت نمایند، از برنامه‌های آموزشی آن بهره‌گیرند، در امور حرفه‌ای و تجاری آن به حد کمال رسند، بیاموزند که ابزار آن را به خوبی به کار گیرند و در پیشبرد علم و هنر آن کوشا باشند و در عین حال هرگز از هدف امر الهی یعنی ایجاد تقلیب روحانی در جامعه و تجدید ماهیت نهادها و فرایندهای آن به مقیاسی بی‌سابقه غافل نگردند. برای نیل به این هدف، احبای عزیز باید از نارسایی شیوه‌های رایج کنونی در تفکر و در انجام امور کاملاً آگاه باشند و این آگاهی نباید به هیچ وجه موجب احساس خود برتری، بی‌تفاوتی، کناره‌گیری و یا اتخاذ موضع انتقادی مفرط نسبت به اجتماع گردد. چند نکته مخصوص راجع به این عادات و گرایش‌ها را مایلیم بیان نمایم.

اطلاع از اینکه دوستان عزیز مطالعه پیام‌های بیت العدل اعظم راجع به نقشه را با چنان سعی و دقت فراوانی دنبال می‌کنند موجب مسرت قلبی است. میزان مذاکرات و تبادل نظرهای معمول برای به مرحله عمل درآوردن هدایات مندرج در آن و یادگیری از تجارب، چشم‌گیر است. اما این واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت که در مناطقی که احبای می‌کوشند تا تمامیت بینش و مقاصد ارائه شده را درک نمایند موفقیت‌ها پایدارتر است ولی هنگامی که عبارات و جملات خارج از بستر خود به صورت مطالب جداگانه‌ای در نظر گرفته می‌شود غالباً مشکلاتی بروز می‌نماید. مؤسسات و نهادهای امری باید به احبای کمک نمایند تا مطالب را تجزیه و تحلیل کنند ولی تقلیل ندهند، در مفاهیم تأمل نمایند ولی بر نفس کلمات پافشاری نکنند، لزوم اقدامات در زمینه‌های مختلف را قبول نمایند ولی از تقسیم‌بندی و انفکاک اقدامات بپرهیزند. ما واقفیم که این وظیفه کوچکی نیست. اجتماع

روز به روز بیشتر با استفاده از شعار سخن می‌گوید. امیدواریم که عادت کار کردن با افکار کلی و پیچیده و کسب آگاهی که دوستان در حلقه‌های مطالعه به آن خو می‌گیرند به فعالیت‌های گوناگون تعمیم یابد.

گرایش به دوگانه‌بینی با عادت تقلیل دادن یک موضوع کلی به یک یا دو عبارت جالب و جذاب، ارتباط نزدیکی دارد. بسیار اساسی است که نظریاتی را که هر یک جزئی از یک مجموعه مفاهیم منسجم است در تضاد با یکدیگر قرار ندهیم. حضرت ولی‌امرالله در نامه‌ای که از طرف ایشان به انگلیسی مرقوم شده هشدار می‌دهند که: "ما باید تعالیم را یک کلیت عظیم و متوازن بدانیم و سعی نکنیم که دو بیان محکم با معانی مختلف را جستجو و ضد هم دیگر جلوه دهیم. پیوندهایی در میان این دو وجود دارد که آنها را به یکدیگر متصل می‌سازد." ملاحظه اینکه با افزایش درک تمهیدات و نیازهای نقشه بسیاری از سوء تفاهمات گذشته برطرف شده موجب دل‌گرمی این جمع گردیده است. ارتباط متوازن بین عناصر حیات بهائی از قبیل ترویج و تحکیم، اقدامات فردی و فعالیت‌های جمعی، تهذیب اخلاق و تعهد به خدمت خالصانه اکنون به آسانی مورد قبول است. هم‌چنین خوشنودیم که احباً مراقبت مبادا دوگانگی‌های کاذب تازه‌ای بر افکارشان مسلط گردد زیرا به خوبی آگاهند که عناصر متنوع یک برنامه رشد مکمل یکدیگر هستند. جامعه بهائی از این تضادگرایی متداول در اجتماع اجتناب می‌ورزد، گرایشی که فعالیت‌های مختلف را در رقابت می‌بیند و نهادهایی که آن فعالیت‌ها را حمایت می‌کنند نیز رقیب یکدیگر مشاهده می‌نماید.

و بالأخره یک پیشرفت در فرهنگ جامعه که با علاقه خاص آن را دنبال کرده‌ایم افزایش توانمندی در راه فراینداندیشی می‌باشد. از مطالعه دقیق حتی نخستین مکاتبات حضرت ولی‌امرالله در باره اولین نقشه‌های ملی امرالله روشن می‌گردد که از ابتدا به احباً توصیه شده است که همواره از فرایندهای وسیعی که وظایف آنان را توصیف می‌کند آگاه باشند. اما در دنیایی که بیش از پیش به ترویج رویدادها و یا نهایتاً به ترویج پروژه‌ها توجه می‌نماید و ذهنیتی دارد که از توقعات و هیجانان حاصله از آن رضایت خاطر حاصل می‌کند، حفظ تعهد به اقدامات درازمدت مستلزم تلاش زیادی است. ترویج و تحکیم جامعه بهائی شامل تعدادی فرایندهای متعامل است که هر یک سهم خود را در پیشرفت نوع بشر به سوی بینش حضرت بهاءالله در مورد یک نظم بدیع جهانی ادا می‌نماید. خطوط عملی مربوط به هر یک از این فرایندها، فرصت‌هایی برای برگزاری رویدادهای گاه به گاه به وجود می‌آورد و بعضی اوقات، فعالیت‌ها در قالب یک پروژه با آغاز و پایان مشخص انجام می‌شود. اما اگر رویدادهایی به بسط طبیعی یک فرایند تحمیل گردد پیشرفت و تکامل استوار آن را برهم خواهد زد و اگر پروژه‌های در دست اجرا در یک محدوده جغرافیایی تابع نیازهای آشکار فرایندهای محل نباشد ثمرات چندانی به بار نخواهد آورد.

درک ماهیت فرایندهای متعاملی که جمعاً ترویج و تحکیم امرالله را موجب می‌گردند برای اجرای موفقیت‌آمیز نقشه امری حیاتی است. به شما و اعضای هیئت معاونت توصیه می‌شود که در تلاش خود برای پیشبرد چنین درکی، مفهومی را که در شالوده مشروع جهانی جاری و در واقع در قلب هر مرحله از مراحل نقشه ملکوتی قرار دارد در نظر داشته باشید و آن مفهوم این است که پیشرفت از طریق توسعه سه شرکت‌کننده نقشه —

افراد، مؤسّسات و جامعه — حاصل می‌شود. در سراسر تاریخ بشر، تعامل بین این سه عامل همیشه با مشکلات همراه بوده است. فرد فغان آزادی‌خواهی به پا می‌کند، مؤسّسات خواستار فرمان‌برداری هستند و جامعه مدّعی اولویّت می‌باشد. هر اجتماعی روابط پیونددهنده این سه عامل را به نوعی تعیین نموده و دوره‌هایی از ثبات و آشوب داشته است. امروزه در این عصر انتقال در حالی که بشریّت در تلاش برای رسیدن به بلوغ جمعی خود می‌باشد، نه تنها این روابط، بلکه مفهوم فرد، مفهوم مؤسّسات اجتماعی و مفهوم جامعه در معرض هجوم بحران‌های بی‌شمار است. بحران مرجعیّت در سراسر جهان، خود دلیل کافی برای این ادّعا است. سوء استفاده از قدرت مرجعیّت آن‌چنان دردناک و بیزاری و سوء ظنّ حاصله در حال حاضر آن‌چنان عمیق است که جهان روز به روز بیشتر لگام‌گسیخته و غیر قابل اداره می‌گردد، وضعی که سست شدن پیوندها در سطح جامعه آن را بسیار وخیم‌تر نموده است.

پیروان اسم اعظم همگی به خوبی می‌دانند که منظور از این ظهور اعظم ایجاد یک خلق جدید است. "اول کلمه خرجت من فمه و اول نداء ارتفاع منه بمشیتک و ارادتک انقلبت الاشیاء کلّها و السماء و ما فیها و الارض و من علیها...." افراد، مؤسّسات و جامعه، سه شرکت‌کننده نقشه ملکوتی، تحت تأثیر مستقیم قوای خلاقه ظهور حضرت بهاءالله در حال تقلیب هستند و مفهومی جدید از هر یک، متناسب با نیاز بشری که به مرحله بلوغ خود نزدیک می‌شود، در حال بروز است. روابطی که این سه شرکت‌کننده را به هم پیوند می‌دهد نیز در حال تحوّل عمیق می‌باشد و قوای تمدّن‌سازی به عرصه وجود می‌آید که تنها با پیروی از تعالیم مبارک ایجاد می‌شود. خصایص مشخصه این روابط، همکاری و وابستگی متقابل که نمایان‌گر هم‌بستگی همه‌جانبه حاکم بر عالم خلقت است می‌باشد. به این ترتیب فرد بدون توجه به "منافع ذاتیه و فوائد شخصیّه"، خود را "چون افراد بندگان غنی مطلق" می‌شمرد و تنها آرزویش اجرای احکام او است. به این ترتیب احبّای عزیز درمی‌یابند که "عواطف و احساسات فراوان و حسن نیّت و کوشش بسیار" اگر در مجاری صحیح جریان نیابد، فواید محدودی خواهد داشت، "آزادی بی قید و بند فردی باید با مشورت دوطرفه و فداکاری تعدیل گردد، و روحیه ابتکار و عمل باید با درکی عمیق‌تر از ضرورت هماهنگی اقدامات و تعهدی کامل‌تر نسبت به خیر و مصلحت عموم، تقویت گردد." و بدین ترتیب همگی می‌توانند میادین فعالیتی را که فرد می‌تواند از آن طریق به بهترین وجه ابتکار شخصی خود را نشان دهد از کارهایی که فقط مربوط به مؤسّسات امری است به آسانی تشخیص دهند. همان‌طور که حضرت عبدالبهاء می‌فرماید احبّاً "به جان و دل" اوامر مؤسّسات‌شان را اطاعت می‌کنند تا "امور انتظام یابد و ترتیبی حاصل کند." البته این اطاعت، کورکورانه نیست بلکه اطاعتی است که حاکی از ظهور بلوغ نوع انسان است، انسانی که به مقتضیات یک نظام به وسعت و عظمت نظم بدیع جهانی حضرت بهاءالله پی برده است.

و کسانی که از بین این چنین نفوس مشتعلی برای خدمت در مؤسّسات آن نظم عظیم دعوت می‌شوند به خوبی بیانات حضرت ولیّ امرالله را درک می‌کنند که می‌فرمایند: "وظیفه اعضای محافل فرمان دادن نیست بلکه مشورت است، مشورت نه تنها در بین خودشان بلکه تا حدّ امکان با احبّایی که نمایندگی آنها را بر عهده دارند." آنان "هرگز" نباید چنین "گمان کنند که زینت اصلی پیکر امر الهی هستند و از نظر توانایی و شایستگی ذاتاً بر دیگران

برتری دارند و یا تنها مروجین تعالیم و اصول این امر اعظم می‌باشند. "در نهایت تواضع" به وظایف خود پردازند و "با سعه صدر، حس عدالت و انجام وظیفه، خلوص، افتادگی، پای‌بندی کامل به رفاه و منافع احباً و امر الهی و بشریت بکوشند تا نه تنها شایسته اطمینان و حمایت و احترام، بلکه تحسین و محبت واقعی کسانی گردند که افتخار خدمت به آنان را دارند." در چنین جوی، مؤسساتی که به آنها قدرت و اختیارات اعطا شده خود را ابزاری برای پرورش استعدادهای مکنون بشری و شکوفایی این استعدادها در مسیری خلاق و شایسته می‌شمرند.

جامعه اسم اعظم، متشکل از چنین افراد و چنین مؤسساتی، عرصه‌ای آن‌چنان مشحون از گرایش‌های روحانی می‌گردد که در آن قوا از طریق وحدت در عمل به چندین برابر فزونی می‌یابد. در باره این چنین جامعه‌ای است که حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: "اگر نفوسی مؤمن حقیقی شوند ارتباط روحانی یابند و مظهر محبت رحمانی گردند و کل سرمست جام محبت الله شوند البته آن اتحاد و ارتباط نیز ابدیست. یعنی نفوسی که از خود بگذرند و از نقایص عالم بشری تجرد یابند و از قیود ناسوتی منصرف گردند البته پرتو انوار وحدت الهی بتابد و جمیع در عالم ابدی وحدت حقیقی یابند."

با اقبال تعداد روزافزونی از نفوس مستعد به امر الهی و پیوستن آنان به دیگر خادمین و شرکت‌کنندگان مشروع جهانی جاری، فعالیت‌ها و تکامل افراد، مؤسسات و جامعه مطمئناً با جهشی چشم‌گیر به پیش خواهد رفت. امید چنان است که در روابطی که پیروان اسم اعظم در بین این سه عامل پرورش و گسترش می‌دهند، بشر سرگردان الگویی برای حیات جمعی بیابد که او را به سوی سرنوشت متعالی خود سوق دهد. در اعتاب مقدسه علیا برای تحقق این امید صمیمانه دعا می‌کنیم.

[امضا: بیت العدل اعظم]